

## زنان عاشورایی و زنان یاری‌گر قیام مهدوی

در منابع معتبر اسلامی، نام سیزده زن ذکر شده که به هنگام ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و اله زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان (ع) به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران، خواهند پرداخت.



در منابع معتبر اسلامی، نام سیزده زن ذکر شده که به هنگام ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و اله زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان (ع) به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران، خواهند پرداخت.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی-از صدر اسلام تاکنون-به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است. عاشورا تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرار داد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پر حضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد.» (۱) «چه کسی می‌تواند نقش زینب علیها السلام و زنان و دختران امام حسین (ع) را نادیده بگیرد؟ آیا حضور آنان سبب پررنگ شدن و ماندگاری قیام عاشورا نبود؟ این گزارشگران و پیام‌آوران شیردل بودند که اصل قیام، حقانیت و مظلومیت حسینیان را زنده نگه داشتند؛ تا آنجا که حضرت زینب علیها السلام همچون ستاره‌ای در آسمان سرخ کربلا درخشید و نور پرفروغ او چشم هر بیننده‌ای را به دنبال خود کشید.

[طوعه، که حضرت مسلم را در خانه خود پناه داد،] مادر و همسر وهب، تازه داماد کربلا، همسر زهیر بن قین، ام البنین مادر چهار شهید از جمله این شیرزنان هستند که زمینه ساخته شدن، سربازانی دلیر و شجاع همچون حضرت ابو الفضل (ع) و برادرانش، وهب و زهیر را برای امام حسین (ع) ایجاد کردند و به نوعی یک حضور مؤثر در میدان نبرد حق علیه باطل را از خود نشان دادند.» (۲) «در قیام حضرت مهدی (ع) نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا، وسیله‌ای برای لذت‌طلبی و عیاشی تنزل داده‌اند. براساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چند صورت دارد:

جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: امام باقر (ع) در بیان بعضی از نشانه‌های ظهور، فرمودند: «به خدا سوگند، ۳۱۳ نفر می‌آیند که پنجاه تن از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد این است معنای آیه شریفه: «أَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۳) هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند، زیرا او بر هر کاری توانا است.» (۴)

اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان (ع) می‌شتابند، کسانی‌اند که در آن ایام زندگی کرده و همانند دیگر یاران امام (ع)، به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام (ع) می‌رسند.

نکته شگفت در این روایت، این است که از ۳۱۳ نفر که گرد حضرت جمع می‌شوند، پنجاه تن ایشان زن هستند. این افراد جزء همان ۳۱۳ یار اصلی هستند؛ زیرا اولاً امام (ع) می‌فرماید: «فیهم»؛ یعنی، در این عده پنجاه زن می‌باشد. دوم اینکه شاید تعبیر مردان بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان چنین ذکر شده است. سوم اینکه اگر مقصود همراهی خارج از این عده بود، امام (ع) می‌فرمود: «معهم»، نه اینکه بفرماید: «فیهم»؛ زیرا این ۳۱۳ تن مانند عدد اصحاب بدر، برشمرده شده‌اند و همه یاران و فرماندهان عالی‌رتبه، از نظر مقام و قدرت در حد بسیار بالایی‌اند.

بنابراین اگر بگوییم: آنان جز همان ۳۱۳ تن هستند، رتبه و موقعیت ویژه‌ای برای آنان قائل شده و اگر در زمره یاران دیگر حضرت هستند، از امتیاز کمتری برخوردارند.

دومین گروه از یاوران حضرت بقیة الله، زنانی‌اند که خداوند به برکت ظهور امام زمان (ع) آنان را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود.

این گروه دو دسته‌اند: برخی با نام و نشان از زنده‌شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است. البته این اعتقاد مسلم شیعه است که هم‌زمان با ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام، برخی از پیامبران (مانند حضرت خاتم الانبیا) و معصومین (همانند امیر مؤمنان (ع) و امام حسین (ع)) و برخی از مؤمنان حقیقی و پیروان اهل بیت علیهم السلام به اذن پروردگار زنده خواهند شد و بار دیگر به دنیا باز خواهند گشت. بازگشت این عده، نه تنها غیرممکن نیست؛ بلکه از نظر قرآن کریم این پدیده امری مسلم است که آیات متعددی از آن سخن گفته است. (۵)

سید مرتضی رحمه الله در این باره می نویسد: علت اینکه شیعه عقیده دارد: خداوند در موقع ظهور امام زمان (ع) برخی از مردگان را زنده می کند، این است که به ثواب یاری امام زمان (ع) نائل آیند و دولت حق آل محمد را که در انتظار آن بوده اند، از نزدیک شاهد باشند و تا انتقام عده ای از ظالمان را به چشم ببینند و از ظهور حق و اعتلای کلمه توحید لذت ببرند. (۶)

در منابع معتبر اسلامی، نام سیزده زن ذکر شده که به هنگام ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و اله زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان (ع) به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران، خواهند پرداخت.

طبری در دلائل الامامة، از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود:

همراه قائم آل محمد علیهم السلام سیزده زن خواهند بود، گفتم: آنان را برای چه کاری می خواهد؟ فرمود: به مداوای مجروحان پرداخته، سرپرستی بیماران را به عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آنان را بیان فرمایید. فرمود: «قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه و البیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهنیه.» (۷)

آنان هر کدام در زمان های مختلف زندگی می کردند؛ پس باهم رجعت خواهند کرد و خداوند برای قدردانی از آنان، به برکت امام زمان (ع) آنها را زنده خواهد کرد.

امام صادق (ع) در این روایت از میان سیزده زن، فقط نام نه نفر را ذکر می کند.

بحث مهم اینکه در معارف شیعی، «رجعت»، برای مؤمنان یک مقام ممتاز و ویژه است که شامل هرکس نمی شود؛ مگر اینکه لیاقت این سعادت عظیم را به دست آورده باشد. مسلماً کسانی که بهای آن را پرداخته اند، به این مقام نائل خواهند آمد.

برخی از آنان همچون صیانه، مادر چند شهید بودند و خود با وضعی جانسوز به شهادت رسیدند. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت ترین شکنجه ها را تحمل نموده و تا پای جان از عقیده خود دفاع کردند.

گروهی دیگر همچون ام خالد نعمت تندرستی پیکر را برای حفظ پیکر اسلام، بر خود حرام کردند و جانباز شدند.

برخی دیگر، افتخار دایگی رهبر امت اسلامی و تربیت فرزندان لایق را داشتند و خود نیز از معنویتی برخوردار بودند که زبانزد خاص و عام بوده جمعی دیگر از خانواده شهیدانی اند که خود پیکر نیمه جان عزیزانشان را حمل کردند.

آری، آنان دل سوختگانی اند که با انجام آن رشادت ها ثابت کردند که می توانند گوشه ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلامی را بر دوش کشند. اکنون به معرفی برخی از آنها می پردازیم:

#### صیانه ماشطه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: در دولت مهدی (ع) سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده شده و به دنیا بازمی گردند که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است. شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه دار وی بوده است. او مؤمن خاندان فرعون بود و به پیامبر زمانش موسی (ع) ایمان داشت. (۸)

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «در شب معراج، در مسیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشام رسید که هرگز مانند آن را نبوییده بودم. از جبرئیل پرسیدم: این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد و بی اختیار گفت: «بسم الله». دختر فرعون گفت:

آیا پدر مرا ستایش می کنی؟ گفت: نه؛ بلکه آن کسی را ستایش می کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد. دختر فرعون شتابان نزد پدرش رفت و گفت: زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد.

فرعون او را احضار کرد و گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صیانه گفت: هرگز، من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم.

فرعون دستور داد: تنور مسی را برافروختند و چون آن تنور سرخ شد، دستور داد همه بچه‌های آن زن را در حضور او در آتش انداختند. زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش افکنند، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان از دین اظهار برائت و بی‌زاری کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: ای مادر! صبر کن که تو راه حق را می‌پیمایی.

فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکنند و سوزانند و

خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این زمین استشمام می‌شود...» (۹)

آری او از زنانی است که زنده می‌شود و به دنیا بازمی‌گردد و در رکاب حضرت مهدی (عج) انجام وظیفه می‌کند.

سمیه، مادر عمار یاسر

سمیه هفتمین نفری بود که به اسلام گروید. بدین سبب دشمن سخت به خشم آمد و بدترین شکنجه‌ها را بر او روا داشت. او و شوهرش یاسر در دام ابو جهل گرفتار آمدند. وی نخست آنها را مجبور کرد که به پیامبر خدا دشنام دهند؛ اما آنان حاضر به چنین کاری نشدند. او نیز زره آهنی به سمیه و یاسر پوشانید و آنها را در آفتاب سوزان نگه داشت. پیامبر صلی الله علیه و اله که گاه از کنارشان عبور می‌کرد، آنان را به صبر و مقاومت سفارش می‌نمود و می‌فرمود:

«ای خاندان یاسر! صبر پیشه سازید که وعده‌گاه شما بهشت است.» (۱۰)

سرانجام ابو جهل بر هریک ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند.

خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام، نشان داد و بدترین شکنجه‌ها را از دشمن خدا تحمل کرد؛ در ایام ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه و اله زنده خواهد نمود تا تحقق وعده الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

امّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست امّ خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد.

ابو بصیر می‌گوید: «خدمت امام صادق (ع) بودیم که امّ خالد با دست بریده شده آمد. حضرت فرمود: ای ابا بصیر! آیا میل داری سخن امّ خالد را بشنوی؟ عرض کردم: آری و به آن شادمان می‌گردم. امّ خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت (ع) نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت.» (۱۱)

مسأله مهمی که می‌توان به روشنی از سرگذشت او حس کرد، این است که اراده خداوند متعال بر این بوده است که اگر کسی در کمال غربت و گمنامی به حق روی کرد و در دین خدا ثابت قدم بود؛ خداوند نیز در کنار اجرها و پاداش‌های اخروی، او را شهره جهان می‌گرداند و جزء یاوران بزرگ‌ترین واقعه انسانی (حکومت مهدی موعود) قرار می‌دهد. (۱۲)

منابع:

۱- نینوا و انتظار، تأملی نو ص ۷۵

۲- همان، ص ۷۶

۳- بقره، ۱۴۸

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲

۵- بقره، آیات ۲۴۳ و ۲۵۹

۶- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱ ص ۵۱۱

۷- دلائل الامامة، ص ۲۶۰

۸- ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه، ص ۳۴۳

۹- منهاج الدموع، ص ۹۳؛ به نقل از: نجم الدین طوسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (ع)، ص ۷۱

۱۰- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۵۳

۱۱- معجم رجال الحدیث، ج ۱۴ صص ۲۳ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱

۱۲- نینوا و انتظار (تأملی نو)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، صص ۲۱۸-۲۰۵ با تلخیص